

کتاب

# اصول عملی علم تربیت

تألف

آقای میرزا عیسی خان صدیق

مؤلف (صدیق اعظم)

با منضبات آن



کمیسیون معارف

طبع و نشر شد

در سال ۱۳۰۷ هجری شمسی

مطبعة علمی

کتاب

# اصول عملی علم تربیت

---

تألف

آقای میرزا عیسیٰ خان صدیق

﴿صدیق اعلم﴾

---

کتاب ۱۹۵۳ CHECKED

# اصول عملی علم تربیت

۱۳۰۳

تألف

آقای میرزا عیسی خان صدیق

(صدیق اعلم)

با منضحات آن

از طرف کمیسیون معارف

## کمیسیون معارف

طبع و نشر شد

در سال ۱۳۰۷ هجری شمسی

دفعه ۴۴۳



فصل پنجم - تشکیل مدرسه صفحه ۶۶

بسی کلاس و عده آن - اوصاف دوره‌های تحصیلی - تقسیم شاگردان  
کلاسها - وسله تقسیم شاگردان بکلاسها - تعیین پروگرام برای هر کلاس -  
بسی جدول ساعات - قواعد نوشتن جدول ساعات - وضع انتظامات  
مدرسه - نظامنامه محاربات و مکالمات - قدر و اعزاز نمره - دفتر نمره

## باب دوم در طریقه تدریس شعب علوم

فصل اول - طریقه تدریس زبان فارسی صفحه ۸۳

اهمیت زبان فارسی - فرائد و اهمیت آن - طریق تعلیم خواندن - طریقه  
امسی - طریقه صوتی - درس فرائد - نوع خط - خواندن و نوشتن - اولین  
کتاب فرائد - روان خوانی - فرائد با توجه بسی و مقصود  
کتاب و مشق خط - اهمیت کتاب - مشق خط - اصول مهم تعلیم خط -

خط المسخه و مشق خط - درس مشق خط صفحه ۹۹

دستور زبان اصول کلی - سریات شعاعی و کسی صفحه ۱۰۷

املاء اشکالات املائی فارسی - فواید دیکته - مس املاء - طرز املاء  
کردن - تصحیح املاء

صفحه ۱۱۱

حفظی احزاب حفظی - سان مطالب حفظی - طرز پس گرفتن صفحه ۱۱۷

مناظره صفحه ۱۲۱

مشق تکلم صفحه ۱۲۲

انشاء موضوع انشا - راهنمایی شاگردان - تصحیح انشاء صفحه ۱۲۵

فصل دوم - طریقه تدریس تاریخ صفحه ۱۳۰

اهمیت تدریس تاریخ - فواید اخلاقی تدریس تاریخ - موحد و طبعواهی -  
احراز اهمیت - مهم تاریخ - احزاب مطالب درس - احزاب از  
مفصل - نوع تاریخ شدن - احصای در گزارش حکما - استعمال نقشه -

# فهرست

عظنامه  
دیباچه  
تعریف علم تربیت - تقسیمات کتاب

صفحه ۱  
صفحه ۲  
صفحه ۲

## باب اول در قواعد کلی

فصل اول - روش تحقیق  
تعریف - قواعد دیکتارت - استقراء - فاس - روش تدیس - تدریس - استنباط

صفحه ۴

فصل دوم - کلیات طریق تعلیم  
طرز تعلیم اهرادی - طرز تعلیم جمعی - طرز تعلیم مکتبی - طرق حتی -  
محاسن و حدود استعمال آن - درس ریاضی - اشکالات آن - اوصاف  
درس خوب - من نقل گیس - پس گرفتن درس و طریق آن - سؤال و  
جواب - مسک سؤال و جواب کردن - مطالعه و بهینه درس - ضرورت مطالعه -  
وسایل بهینه درس - دفتر مطالعه

صفحه ۱۰

فصل سوم - اسباب و وسایل کلی تعلیم  
کتاب - اوصاف کتاب دستی - عده کتاب - طرز استعمال کتاب - کتاب  
و درس - نحوه نگاه - جای تخته در کلاس - عهده - تکالیف دستی -  
حوادث آن - اصحاب موضوع - تصحیح تکالیف - تصحیح فردی - تصحیح  
جمعی - اصحاب کتبی - کتابچه - دفتر روزانه - دفتر کلاس - دفتر اصحاب -  
تخته چاه - موره - تأسیس موره - اشیاء موره و نحوه بندی آن - کتابچه -  
نوع کتاب در کتابچه - تأسیس کتابچه

صفحه ۲۸

فصل چهارم ترتیبات عادی مدرسه  
مکان مدرسه - حیاط مدرسه - سر پوشیده - مسراج - اطلاق درس -  
سر و سبکت - ناعجه - احتیاجات کلی مدرسه

صفحه ۵۷

صانع عایدات معارف - مدارس اعاده تکیه

فصل سوم - مستخدمین رسمی معارف  
 مسئولین قانون استخدام کشوری - اعضاء کسترامی مدارس - ورود خدمت  
 معلمی - حقوق آموزگاران - مرصع واصافه حقوق - حقوق تقاعد واسطرار  
 خدمت - مدال و شان علمی - مجاکنه و محاررات - صنف حاص از معلمین -  
 معلمین خارجی - احصائیه آموزگاران

فصل چهارم - ادوار تحصیلیه ، امتحانات ، تصدیقنامهها  
 چهار دوره - نظامنامه امتحانات - هیئت ممتحنه - امتحانات کتبی - امتحانات  
 شفاهی - صدور تصدیقنامه - احصائیه

## ملحقات

( قوانین و نظامنامهها )

قانون اداری و وزارت معارف  
 ۲۹۶ صفحه  
 ۲۹۹ « قانون شورای عالی معارف  
 ۳۰۱ « قانون احاره تأسس شعب شورای عالی معارف  
 ۳۰۲ « نظامنامه شورای عالی معارف  
 ۳۰۴ « قانون اساسی معارف  
 ۳۰۷ « نظامنامه شهریه  
 ۳۰۹ « قانون تعایمات عمومی ( از محفل صدی بیم مالکات اربابی ودواب )  
 ۳۱۱ « قانون ارسال محفل محارجه  
 ۳۱۲ « نظامنامه مکاتب محلی  
 ۳۱۳ « نظامنامه مدارس ابتدائی و متوسطه

آراء آمار ملی - طرز تدریس - کتاب تاریخ و کتب مطالعه - تکالیف کسی

فصل سوم - طریقه تدریس السنة خارجه

صفحه ۱۴۶

اهمیت تدریس السنة خارجه - طرز تدریس عائی - طرز تعلم مستقیم -  
مراحل این طریقه - اسم معنی - دستور زبان - قرائت - تکالیف کسی -  
زبان خارجه در کلاس - حدود استعمال ترجمه - اصول مهم - اجرای پروگرام

فصل چهارم - طریقه تدریس ریاضیات

صفحه ۱۶۷

اهمیت ریاضیات - دو اصل مهم - طریقه تدریس پروگرام - حساب و حر  
و هندسه - حساب ذهنی - مسائل ریاضی - آموحن طریق حل مسائل  
مکری - مسائل حر - مسائل هندسی - صحیح مسائل

فصل پنجم - طریقه تدریس طبیعیات

صفحه ۲۰۳

اهمیت و فایده تدریس طبیعیات - حدود علوم طبیعی - روش تدریس طبیعیات -  
وسایل و لوازم روش مذکور - مشاهده - تجربه علمی - گردش و ساحت  
علمی - طبیعیات در کلاسهای مختلف - حیوان ساسی و گناه شناسی و  
معرفه الارض و فزیک و شیمی - درس طبیعیات

فصل ششم - طریقه تدریس جغرافیا

صفحه ۲۳۰

فواید تدریس جغرافیا - روش کلی - در کلاسهای مختلف - اسما اعلام -  
و جابیل و اسما تدریس ( شیخ - تصویر - نقشه - نقشه دیواری - نقشه  
رحسما - کوه - فصل - ارض - نقشه - کتاب کسی - درس جغرافیا

## باب سوم در تشکیلات معارف

فصل اول - کائنات

صفحه ۲۴۸

وزارت معارف - شورای عالی - زری - اعلام مدارس - درجات تعلم -  
ت محال - طره علمی - زری - زری - زری - زری - زری - زری

فصل دوم - وزارت تدریس

صفحه ۲۶۳

تدریس - وزارت تدریس - وزارت تدریس - وزارت تدریس - وزارت تدریس -  
وزارت تدریس - وزارت تدریس - وزارت تدریس - وزارت تدریس - وزارت تدریس



## غاطنامه

صحيح	عاط	صفحه	سطر	صحيح	عاط	صفحه	سطر
سروراند	پروراسد	۱۲	۱۲۵	گوش	کوش	۱۴	۱۰
کشیده است	کشده اند	۱۹	۱۲۵	نشی	نشفي	۱۱	۱۵
اصهار	اصنام	۲	۱۴۱	نامی	تام	۱۷	۱۵
غاسی	غاس	۶	۱۴۴	مراعتار	مراعت آران	۵	۲۹
درس	درسی	۳	۱۴۵	باشد چي	باشد چي	۱۸	۲
جو	صو و جفا صا	۹	۱۴۶	تکلی	تکلی	۱۹	۳۰
زبان آنها را	زبان آنها	۱۸	۱۴۸	رد	رده	۵	۳۲
زبان	بران	۹	۱۵۰	اصنام دانه	تو نمود داشته	۲۰	۳۸
میرسد	میرد	۱۶	۱۵۰	بعام آورد	بعام آورد	۱۱	۴
داشته	داشته داشته	۲	۱۶۶	التجره	التجره	۸	۲۹
هدایت کند	هدایت کند	۱۳	۱۶۶	محلّی	محلّی	۸	۴۹
فرص	فرص	۱۱	۱۷۷	۲۰	۲۵	۱۶	۵۶
نقود	عقود	۶	۱۸۱	ناید	اید	۱۵	۵۸
مشتقات	مشتقات	۱۱	۱۸۹	هوا	هو	۲	۵۹
فلم	ضم	۵	۱۹۲	کارگزاران	کارگزاران	۱۴	۲۵
B	B	۲	۱	موجود است	است	۲	۸۱
معیرو او انکا = نکو	مسونکی	۴	۲۱۱	حواندن	حواندان	۱۵	۸۴
اوک	اوک و دوم	۴	۲۲۵	سه	امنه	۸	۱۴
تدریس	تدریس	۲	۲۲۸	سوم	دوم	۱۵	۱۸
فانون	فانوی	۱۵	۲۶۳	دو	که	۱۷	۱۹
معارف معارف	معارف	۴	۲۶۶	سه	چهار	۲	۱۱۱
معلقات عمومی	کلی معارف	۱۹	۲۷۸	بفائده ندارد	بفائده ندارد	۶	۱۱۱
معلقات عمومی	کلی معارف	۱۶	۲۸۰	فوقه سمره	فوقه سمری	۱۲	۱۱۲
عربی در دوره ابتدایی	عربی	۲	۲۹۳	ارحود	در حود	۹	۱۱۸

۳۳۰	صفحه	قانون استخدام کشوری
۳۴۱	«	طرح قانون استخدام کارکنان مدارس
۳۵۲	»	نمونه قرارداد وزارت معارف با معلمان
۳۵۵	«	نظامنامه اختصاصی معلمان
۳۵۸	«	نظامنامه منال و نشان علمی وزارت معارف
۳۶۱	«	قانون رورش اجباری
۳۶۱	«	نظامنامه امتحانات رسمی
۳۶۵	«	دستور تعلیمات دوره اول متوسطه
۳۸۲	«	نظامنامه جدید امتحانات
۳۸۹	«	حمام



اصول عملی

# علم تربیت

تألیف میرزا عیسیٰ خان صدیق

## دیباچه

بر حسب تقاضای وزارت معارف ابتدا در حوت ۱۲۹۷ هجری قمری در اصول علمی علم بریت توسط نگارنده داده شد که خود ووارحانه آنها را تطبیق رسانید پس در ۱۳۰۴ شروع به تدریس علم بریت در دارالمعلمین مرکزی شد و نام اول این کتاب تدریحاتیه و در آنها تدریس گردید

همین که قانون ملیات عمومی در ۱۴ اردی بهشت ۱۳۰۶ تصویب رسد و مقرر شد در مراکز ایالات و ولایات دارالمعلمین های استانی و اکابر شاه تاسیس شود احتیاج آنکه این کتاب شدید برسد و وزارت معارف بوسیله را مأمور این کار کرد. مذاکرات موالی و اشوبق وزیر معارف و مباحث شد که دبانه کتاب در سطلی باستان با تمام رسد و اسکنه تقدیم عامه میشود

سار آنچه گفته شد این کتاب برای تدریس در دارالمعلمین مرکزی و دارالمعلمین های استانی ایالات و ولایات و دارالمعلمین های اکابر شاه مطابق بروگرامی که تصویب شورای عالی معارف رسیده تدوین شده است اما واضح است که محصلین دارالمعلمین استانی فقط قسمتی از این کتاب احتیاج دارند که مربوط تدریس استانی است مطالبی که راجع به دوره اول و دوره دوم گفته شده بکار محصلین دارالمعلمین مرکزی و معتمنین دوره اول متوسطه خواهد آمد و چون این مطالب هر جا جدا گانه گفته شده بکار معلم و معلمین آسان گشته و لازم نیست بطریق دیگری تدوین شود

باب سوه که در خصوص اشکالات معارف است معارف مملکت ما را بحالی که فعلاً هست معرفی کرده بیان میدهد که اصول تاسیس مکتبهداری از میان رفته و مدرسه و مکتب تماماً جدید و برپا ناره در ایران اشاره نامه و روز بروز در حال سو و ارتقاء است

لوردیان (شهران) ۲ شهریور ۱۳۰۶

تعلیمی صدیق

# باب اول در قواعد کلی

## فصل اول

### روش تحقیق (مُند)

روش تحقیق عبارت از نظم و ترتیبی است که انسان  
 تماماً در افکار و اعمال خود میدهد تا محققى نائل  
 شود یا مقصودی را انجام دهد و عبارت دیگر روش  
 تحقیق راهی است که عالم برای نبیّس و کشف حقیقت مدیبايد یا راهی  
 که معلم برای بیان حقیقت و تدریس رشته معینی در پیش میگیرد برای  
 روش کردن این تعریف يك مثال میرسم

يك نهر عالم مشاهده میکند که مثلاً در حالاً یعنی محوطه‌هائی از  
 هوا سرب با سرعت معینی سقوط میکند باز می بیند که چوب سسه هم در  
 حالاً با همان سرعت سقوط میکند همین تجربه را در مورد کاغذ و کاه بعمل  
 میآورد و هر دفعه ملاحظه میکند که سرعت یکی است آنوقت مشاهدات  
 خود را بصورت قانون کلی درآورده میگوید همگی اجسام در حالاً با يك  
 سرعت فرود می آیند

راهی را که این عالم برای کشف حقیقت مریور پیش گرفته روش  
 تحقیق گوید

روش تحقیق دیگر ایست که معلم قانون مریور را ابتداءً برای شاگردان  
 بیان کند و بگوید در حالاً همگی اجسام با يك سرعت سقوط می کنند  
 برای اثبات آن در لوله مخصوص این کار معروف بطوله پیوئس Newton

علم تربیت عامیست که بوسیله آن میتوان طفل را  
 تعلیم تربیت بعد کمال رساند یعنی قوایی را که در کمون او  
 موجود است بطوری پرورش داد که تمام استعداد  
 و قابلیت او ظاهر گشته در زندگی سعادت مند گردد علم تربیت بدو قسمت  
 میشود: **بطوری و عملی** علم تربیت بطری شامل اصول تربیت بدنی  
 و روحی و اخلاقی است **عملی** و اساس این اصول معرفه النفس است  
 علم تربیت عملی با اصول عملی تعلیم و تربیت عبارتست از طریقی که در  
 مدرسه برای تعلیم و تربیت باید پیش گرفت و وسایلی که برای اجرای  
 اصول تربیت بطری باید اتحاد نمود

حافظه یکی از قوای طفلست علم تربیت بطری  
 مسائل حافظه را تعریف میکند، لزوم آرا برای زندگی  
 شخصی و اجتماعی نشوت میسازد، اقسام آن را  
 نشان میدهد، نشان میدهد که بچه کیفیت در طفل موجود است، ثابت  
 میکند که بوسیله توجیه و تکرار و نظم در سخن حافظه تکمیل شده پرورش  
 مییابد علم تربیت عملی راه اجرای این اصول را نشان میدهد و مکتوبی  
 چیزهایی برای تربیت حافظه لازم است تدریس شود و برای تدریس حفظی  
 و تاریخ و جغرافیا مثلاً چه طریق باید اتحاد نمود تا حافظه پرورش یابد  
 موضوع کتاب ما **تربیت عملی** است، این موضوع در ضمن سه

باب بیان میشود

باب اول در قواعد کلامی

باب دوم در طریقه تدریس هر يك از شعب فنون و علوم

باب سوم در تشکلات معارفی ایران

داده قانون را جایی مان می‌کنیم که هر جسمی در آب فرو رود از وزن آن کم می‌شود. بالا حرمه وسیلهٔ تجارت دیگر حکم کلی دین را که موسوم است بقانون ارسمیدس بدست می‌آوریم. هر جسم که در مایعی فرو رفت فشاری از مایع بر آن وارد می‌آید که مساوی است با وزن آن اندازه‌ای مایع که حرم آن جسم جای آن را گرفته است.

این روش بر عکس روش علوم طبیعی است. درین جا قیاس از کلی بحرثی بی میرند باین معنی که يك قانون کلی را که بدیهی است مأخذ قرار داده از آن نتایجی می‌گیرند که تماماً صحیح است. این روش را قیاس گویند و چون در علوم ریاضی دائماً بکار برده می‌شود روش علوم ریاضی بر حواسد مثلاً می‌گویند که اقصر فاصلهٔ بین دو نقطه خط مستقیم است. از این حکم کلی نتیجه می‌گیرند که در هر مثلث هر ضلع اقصر است از مجموع دو ضلع دیگر. شاید تصور کرد که در يك رشته از علوم منحصرأ روش استقراء و در رشتهٔ دیگر منحصرأ روش قیاس بکار برده می‌شود بلکه بطور کلی در تمامی علوم هر دو روش تحقیق بکار میرود و یکی را برای امتحان و تحقیق روش دیگر استعمال می‌کند.

معلم باید خوب این دو روش تحقیق را بشاگردان  
 وظیفهٔ معلم      نهیاند تا اینکه بس از خارج شدن از مدرسه راه  
 تحقیق و استدلال و استساط حقیقت را بداند

در مدرسه ناند بشاگرد یاد داد چگونه ممکن است در کاری تمییز و تحقیق کرد، چطور شهادتی را انتقاد نمود، چگونه قصه ای را عموم داد و چه

چند جسم مختلف الورن را میگذارد و آنرا سراربر کرده نشان میدهد که تمامی بیک سرعت فرود می آیند

دکارت Descartes بزرگترین حکیم قرن یازدهم

قواعد دکارت حجری در فراسه در کتاب موسوم به بیان روش تحقیق چهار قاعده رای روش تحقیق معین میکند.

اولاً باید فقط چیزی را حقیقت شمرد که صحت آن روش و ندیهی باشد

ثانیاً اشکالاتی که در راه کشف حقیقت پیدا میشود باید بقدری که امکان دارد تفکیک و مجریه کرد

ثالثاً در مطالب باید بطور منظم فکر کرد و از معلوم مجهول و از حرتی تکلی و از ساده سرگم پی برد

رابعاً باید همیشه امعان نظر و دقت کرد که چیزی از نظر بیفتاده از بین برود و حسط و حطائی دست ندهد

برای کشف یابان حقیقت دو روش بیشتر موجود

استقراء بیست روش اول روش علوم طبیعی است که

استقراء گویند در علوم طبیعی انسان از حرتی

تکلی پی میرد مثلاً می نسیم چوب همیسه که در آب فرو رفت از ورش

کاسته میشود سطل آهی را در آب فرو میریم می نسیم از ورن آن هم

کاسته میشود این تجربه را در مورد چند جسم دیگر تکرار کرده ملاحظه

مکسیم که ورن همه آنها کم میشود آنوقت مشاهدات خصوصی را کلیت



اوصاف بدست و معلم عوض اینکه برای فهمیدن مطلب استمداد و استعانت  
 از قوای خود شاگرد نماید بطور متکلم و حده نطق میکند بدیهی است که در  
 این صورت شاگردان رود کسل میشوند و حیاره میکشند و چیری از شروع  
 ندرس نمگذرد که حواس آنها مشغول شده دیگر فکرهاش بیش درس نیست

علاوه بر این چون قوای طفل در این کلاسهای بی سرو صدا نکار  
 نمایند قهراً پرورش نیافته عقل او حامد میباشد و تر هوش نمشود و پس  
 از خروج از مدرسه در عرصه حلال رنگینی صلاحی ندارد حر حافظه‌ای  
 بملو از مطالب مهم، و از خود به فکر دارد به قوه عمده

اگر معلم عوض خطابه دادن و متکلم و حده بودن  
 روش استعهای شاگردان را بوسیله سؤالات مرتب و معینی مقصد  
 خود هدایت نموده درجه بدرجه از معلوم مجهول  
 رساند و را دارد خود شاگردان مطلق که میخواهد عنوان کرده کشف  
 نمایند در این صورت روش استعهای را نکار برده است چون این روش  
 را سقراط حکیم نامهنس و مقصد ترین ترقی استعمال کرده است آنرا  
 نام او روش سقراطی بر نامند

استعمال این روش حالی از اشکالی بدست و توفیق یافتن در اجرای  
 آن مبوط است تا سکه معلم قبلاً درس را نادقت حاضر کرده باشد و سؤالاتی  
 که نهیه دیده است مربوط و مرتب و روش باشد و حوامهایی که از  
 شاگردان خواهد نمید بدیهی کرده باشد تا توانسته باشد که رشته سؤالات  
 خود را حاضر کند و بر همیشه در موقع ندرس مقصد را که عبارتست از

شکل تیجه گرفت تا شاگرد وقتی برگ شد دچار اشتباه و حطا بشود  
 معلم معلوماتی را که دارد بطرز مخصوصی نشاگردان  
 روش تدریس خود التاء میکند این طرر را محاراً روش تدریس  
 منامند روش تدریس انواع بسیار دارد ولی همه  
 آنها را میشود در تحت سه عنوان درآورد روش تقریری ، روش  
 ۱- سهایی ، روش محلط

وقتی معلم روش تقریری را پندش گرفته باشد مانند  
 روش تقریری خطیب تنهائی در سر درس سخن مراند و  
 مطالب خود را تقریر میکند گاهی ممکن است  
 درسی را که میدهد بوسیله تمثیل و تجارب عامی روشن نماید ولی احصاری  
 ازین حدت در کار نیست شاگردان هم ساکت و صامت گوس مدهند  
 این روش برای معلم کار را بسیار آسان میکند و در صورتی که آن  
 را بیش گیرد مواد پروگرام هم سرعت در مدت کمی تدریس میشود در  
 مقابل این دو حسن معاب بررگی دارد که آن را برای مدارس ابتدائی نکلی  
 بی مناست میکند ولی در دوره دوم متوسطه و در مدارس عالیه میتوان  
 آنرا اختیار کرد مع ذلک در اینجا هم باید ریاده روی کرد

در مدارس ابتدائی طرقی که برای تدریس اتحاد میشود باینقوای  
 طفل را نکار اندارد ، حسن کسحاوی را در او سدا کند ، طفل رابطرف  
 درس و معلم نکشد تا در مطالبی که گفته میشود بی علاقه گردد و با کمال  
 رعنت آنرا گوش داده فرا گیرد لکن روش تقریری دارای اس

اقتصاد منقولست که این روش برای تدریس فلاحت حیای حوست ولی  
موسیقی و نقاشی و تجارت را بوسیله آن میشود آموخت بدیهی است که  
تاریخ و جغرافیا و هندسه و حبر و مقابله هم در این ردیف واقع میشود و  
ناید برای تدریس آنها راه دیگری اتخاذ کرد

از ترکیب روش تقریری و روش سقراطی روش  
روش مصلط بدست میآید در اینجا معلم بوسیله سؤالات  
مرتب و روش شاگردان را بکشف حقیقتی و  
مدارد ولی در این عمل همیشه دیدناشکالی بر حوردید و نتوانستند جوابی  
که انتظار دارد بدست معطل گردیده خود جواب میدهد

این روش بهترین روشی است که میتوان در مدارس ابتدائی و دوره  
اول مدارس متوسطه بکار برد محاسنی که برای در روش سابق الذکر  
گفتم در این روش موجود است و معایب آنها را دارا نیست در هرستی و  
برای تمام مواد پروگرام این روش را میتوان استعمال کرد زیرا که اختیار  
در دست معلم است معلم میتواند در موقع ترکیب و احتلاط روش تقریری  
و سقراطی بر طبق احتمالات طفل و سن و رشد او و بر طبق اقتضای موضوع  
درس از یک روش نگاهد و بر اساس دیگر بمرایند

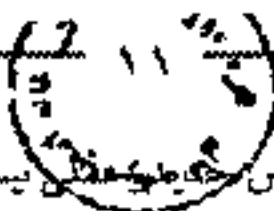


کشف حقیقت در مد نظر داشته باشد تا از موضوع خارج نشود همچنین مقتدر و قوی الاراده باشد تا نگهدارنده مباحثات طولانی شود و نظم کلاس از بین نرود

با وجود اشکالات مزبور روش مذکور محاسن بسیار دارد اولاً بواسطه مکالمه معلم با شاگردان اطلاق درس با سر و صدا و با روح مشهود و شاگرد از درس لذت میبرد و رعیت تمام نتحاصل پیدا نمیکند ثامناً بواسطه سؤالاتی که معلم میکند و استمدادی که از قوای طفل میماند دائماً توجه او را جلب میباید و حواس او را تحریک میکند و قوه متفکره و عقل او را پیوسته بکار میگیرد و باعث ترقی هوشی او میشود ثالثاً شاگرد بواسطه اکتشافاتی که در ضمن سؤالات و جواب حاصل میکند شوق و ذوق تحصیل و بکار پیدا میکند رابعاً چون در دادن درس با معلم شرکت میجوید قوه ابتکار و اقدام در او ایجاد میشود

در مقابل این محاسن زرش سقراطی يك عیب دارد و آن این که سطرء و کمندی بیش میرود بین معلوم و مجهول راه طولانی موجود است درین راه باید بوسیله سؤالات مسائل متعدّد ساحت و دست شاگرد را گرفته از آنها عبور داد و این ترتیب وقت زیاد لازم دارد بعلاوه شاگرد سؤالات معلم را همیشه میفهمد و باید برای او تفسیر و تعبیر کرد و ناگهی وقت و کثرت دروس غیر ممکنست که محضراً این روش را در مدارس بکار برد

این نکته را هم باید در نظر داشت که روش سقراطی را در مورد تمامی دروس نمیتوان استعمال کرد از قول خود سقراط هم در کتاب



اینها طرز اهرادی در مدارس **جمعیت مدرس** است در کلاسهایی که حده  
وسط عدّه شاگردان آن سی الی چهل نفر است چطور میتوان بهر يك  
علی حده تدریس کرد ؟

طرز تعلیم جمعی طریقیست که عموماً در مدارس  
طرز تعلیم جمعی تکرار نموده میشود عدّه ای شاگرد با هم همدرسند  
و معلم برای تمام آنها يك درس میدهد. این عدّه  
ممکن است بچهل و پنجاه برسد و مع ذلك حرف معلم برای همه آنها مفید  
است و همه استفاده میکنند صرفه ای که استعمال این طرز ارحیت وقت  
دارد بخوبی ظاهر است بعلاوه بواسطه رقابت و همچشمی که بین شاگردان  
همکلاس موجود است روح و حیات در درس فرماتروا است خلاصه  
آنکه تمام معایبی که در طرز اهرادی موجود است در اینجا مندرج میشود.  
۱- مادر مقابل ایرادهائی همباین طرز میگیرند چون قوه شاگردان هر قدر  
هم در انتحاب آنها سعی شده باشد کاملاً مساوی نیست معکست بعضی از  
آنها درس را بفهمند و از رفقای خود حالات کشیده آنها اظهار نکند در  
سورتی هم که اظهار دارند میشود وقت سایرین را برای تکرار موضوعی  
که تدریس شده تلف کرد وقتی شاگردی بی غائب ناشدار شنیدن درس  
محروم میدماند و میشود سایر شاگردان را برای خاطر او معطل کرد و باین  
جهت آن درس برای شاگرد غائب اردست رفته است بالأحره چون معلم  
میتواند تمام توجه خود را بتملها و کسانی که حواسشان جمع نیست معطوف  
نماید آنها ناگوش در درس را استماع نمیکند این ایرادات اغلب

## فصل دوازدهم

### در کلیات طریق تعلیم

برای تعلیم یکعده شاگرد سه طرز مختلف موجود  
 طرز تعلیم انفرادی است طرز تعلیم انفرادی ' طرز تعلیم جمعی '  
 طرز تعلیم مکتبی طرز تعلیم انفرادی آن است که  
 معلم شاگردان را يك يك بدون توجه سایرین تعلیم دهد معلمهای سرچاه  
 که در قدیم مرسوم بود و همورهم در ولایات كوچك معمول است اغلب این  
 طرز را پیش میگردانند این سلك محاسنی دارد و معایبی

محاسن آن اینکه اولاً چون معلم بهر يك از افراد جداگانه درس  
 میدهد قوای هر کدام را در نظر گرفته بر طبق قوه هر يك تدریس میکند  
 ثانیاً بهر يك معرذاً رسیدگی میکند نکاتی که از درس برای شاگرد مهم و  
 مفید مانده توضیح میدهد و مطلب را روشن ساخته نمیکند چیرگی  
 بهم میدهد باقی نماند . ثالثاً چون معلم و شاگرد هر دو مقابل هم نشسته اند  
 شاگرد قهراً گوش میدهد و حواسش جمع است و خوب توجه بدرس مینماید  
 اما معایب آن تدریس بهر يك از شاگردان وقت زیاد لازم دارد

اگر برای تدریس هر موضوع بیساعت صرف نمائیم و دو درس بهر شاگرد  
 داده شود در طرف روز پنج شش نفر را بیشتر نمیتواند با این طرز درس  
 دهد علاوه بر این طرز تعلیم بهیچوجه همچشمی و رقابت بین شاگردان  
 پیدا نمیشود و در کار کردن تهمع نمیشوند و آن حدت و حرارت که بواسطه  
 همچشمی در شاگردان ایجاد میشود در اینجا وجود ندارد گذشته از همه

تعلیم عده ای نگار میسر د لار مست بطرق و وسایل دیگری بیر تشبث حوید که درس و اسحتر شود و بیشتر مورد رعنت اطفال و استعادة آنها واقع گردد. عده این وسایل زیاد است و سنت موضوعی که قدیس میشود سنت سن شاگرد و سنت ناسبات و آلاقی که مدرسه دارد و سنت توقع مدرسه (شهر یا دیه) و سنت بچانکی و مهارت معلم تفاوت پیدا میکند. ما برین باید روش قدیس را معلم آموخت و در انتخاب طرق و وسایل تعایم او را آزاد گذاشت تا کفایت و لیاقت خود را ظاهر کند. او خود این طرق و وسایل مذکور نباید بدوب تأمل اختیار شود بلکه باید دارای سه صفت عمده باشد یعنی طفل را عادت دهد پیدا کردن و فهمیدن و فرا گرفتن مطلب.

طرق و وسایل تعلیم باید حالت تروحه باشد تا طفل برای پیدا کردن میل و ذوق تحصیل پیدا کند. برای پیدا کردن مطلب امتحان و پرسش و طریقه های حسی و علم -

الاشیاء و تجارب عامی و نظایر آن از وسایل بسیار معد است.

مسطور اصلی از تربیت علمی و بطری آن است که برای فهمیدن اسان فهم پیدا کند. معاونانی که از روی فهم باشد بهیچ درد نمیخورد و غیر از حرارت کردن حافظه فائده ای ندارد. حای نأسف است که در مملکت ما اغلب چهرها را فهمیده طوطی وار حافظه می سپارند و فهمیده در هر جا ذکر میکنند. این عادت از زمان کودکی در مدرسه برای شاگرد پیدا میشود و در تمام

وارد است و وسایلی که ذکر خواهد شد سعی میکند آنها را رفع کند  
در هر حال نظر به فوائد مهمی که طرز تعلیم جمعی دارد در مدارس حدیده نگار  
برده میشود و برای تدریس عده کثیری بهترین طرز است

طرز سوم طرزی است که در مکتبهای معمولی  
طرز تعلیم مکتبی استعمال میکند معلم بهمه شاگردان درس می  
دهد بلکه عده قلیلی را شخصاً تدریس میکند و  
آنها را بعنوان حلیفه مأمور تعلیم سایرین مینماید بدیهی است که روش  
و تجربه حلیفه کافی برای تدریس نیست و درش قدر و اعتباری ندارد و  
ناید وقتی باین طرز تشتت حس است که راه دیگری باشد این طرز را در قرن  
دوازدهم هجری انگلیسها در هندوستان یاد گرفته در انگلستان معمول به  
داشتند و بعد در سایر ممالک کم و بیش متداول شد در اروپا وقتی تعلیمی  
معلم بحدت کفایت نداشته باشد در دیبهای بزرگ یک معلم مأمور تدریس  
یکصد و بیست و نه شاگرد میشود در اینصورت کلاس عالی خودش درس  
میدهد و متعلمین آن کلاس را تدریس کلاسهای دیگر میگمارد و درصحن  
نیر آنها سرکشی میکند در حقیقت معلم اینجا طرز مختلطی از طرز  
انفرادی و جمعی نگار برده - طرز اول را در کلاس عالی و طرز دوم را در  
کلاسهای دیگر

علاوه بر روش قیاس و استقراء که معلم برای بیان حقیقت اتحاد  
میکند و علاوه بر روش تقریری و استنباطی و مختلط که معلم برای تدریس  
پیش میگیرد و علاوه بر طرز انفرادی یا جمعی یا مکتبی که آورده برای



کسید شکل آنرا در روی تخته سیاه می کشید یا میگوئید در اطاق شیشه آن، حلد کتاب، صفحه کاعد، یمکت همه شکل مرتب مستطیل دارد عوص اینکه برای او شرح دهید کنتی چیست تصویر کنتی را در کلاس برده نشان میدهید یا وسیله نور افکن در روی پرده تصویر آنرا میاندازید در ناین دو حال چشم را نکار انداخته اید در موارد دیگر ممکن است گوش یا دانه یا لامسه یا شامه وسیله فهم فوری مطلب واقع شود در تدریس علم الأشیاء و جغرافیا و حساب و تاریخ طرق حسی را میتوان نکار برد

طرق حسی طریقه ادراک مطلب و فرا گرفتن آنرا محاسن طرق حسی بسیار آسان میکند زیرا بدون زحمت و مشقت طفل موضوع را میفهمد و یاد میگیرد از طرف دیگر چون طفل شخصاً مطلب را ادراک میکند و حس کنجکاریش نشفی مییابد از درسی که بطریقه حسی ناو داده شده مرور میگردد و علاوه چوب تمام مطالبی که آموخته میشود با تصویر و نکار های حسی توأم میگردد بهتر و بیشتر در حافظه باقی مانده کمتر از نظر محو میشود

در طرق حسی چون اشیاء خود مستقیماً در حس حدود استعمال آن طفل تأثیر میکند و غیر از خواص محسوس ظاهری اشیاء بچیری ناو آموخته میشود معلوماتی که طفل ناین ترتیب حاصل میکند مبهم و سطحی و غیر کافیست همین جهت طرق حسی را نباید فقط در کلاسهای اول و دوم و شاید سوم نکار برد و از آنجا بالا علاوه بر مطالبی که خود طفل بواسطه مشاهده اشیاء فوراً ادراک میکند باید توسط سؤال و جواب و وسیله روش مختلط توجه او را دست

عمر برای او باقی میماند باید بهر وسیله هست شاگرد را عادت داد که هرچه را فهمید در مقام فهمیدن آن برآید و هرچه را دید و شنید تا فهمد دست برندارد و در هر حال چیرگی را بدون فهمیدن بخاطر سپارد معلم باید طرق و وسایلی بکار برد که موجب روشنی فکر و استحکام عقل شود برای این کار درس ریاضی معلم و انانیت مطلب در روی تخته سیاه و تحارب علمی و امثال آن از طرق خوب شمار میرود

برای فرا گرفتن باید طرقی اتخاذ کرد که در وقت برای فرا گرفتن طفل جلب شود و مطالبی که باو تدریس میشود تأثیرات شدید و عمیق داشته باشد تا مثل نقش در حجر باشد، قواعد و قوانین حافظه و تسلسل تصورات رعایت شود و خیالات و افکار با تصاویر حسی ترکیب شده و بهم پیوسته باشد تا تذکر یکی از آنها باعث یاد آوردن دیگری باشد در این زمینه تکالیف کتبی، مذاکره و دوره کردن دروس، تکرار کردن دروس، مراجعه نمودن و امتحان دادن در آخر هر هفته یا ماه یا سه ماه بهترین طریقه است حال که فهمیدیم برای تثبیت مطالب در حافظه اطفال طرق تعلیم چه اوصافی باید دارا باشد مهمترین و عمومی ترین آنها را دیلاً شرح میدهم

از جمله طرق کفای تعلیم و تربیت طرق حسی است  
 ۱ - طرق حسی طریقه حسی وسیله ایست که حس طفل مخصوصاً باصره او را بکار میاندازد و مطلب را فوراً و بلا واسطه ادراک میکند مثلاً عروس آنکه مرتب مستطیل را برای طفل تعریف

اگر درس خوب باشد یعنی دارای اوصاف  
 اوصاف درس خوب و شرایط لازم باشد هم موجب پرورش  
 قوای روحی و اخلاقی طفل میشود و هم  
 وی را دارای معلومات مفید میکند اوصاف و شرایط مذکور از این  
 قرار است

اولاً درس نایستی از حیث موضوع مطابق ادراک و احتیاج رس  
 طفل باشد و الاً از حدود فهم او خارج و باعث کالت و حسنگی خواهد بود  
 ثانیاً از حیث مقدار، درس باید مختصر باشد درسی که مفصل و  
 زیاد شد بدون فایده شاگرد را فرسوده میکند عکس اگر دو سه مطلب خوبی  
 شان و تدریس شود در دماغ او جا گرفته کافی خواهد بود

ثالثاً از حیث ترتیب مطالب، درس باید از روی نظم برای شاگردان  
 که شود تا هم خوب بفهمند و هم زودتر در آگیرند

رابعاً از حیث تقریر، عباراتی که معام استعمال میکند باید ساده و  
 قریب بهم باشد مخصوصاً آموزگار مدرسه ابتدائی باید پیوسته در نظر  
 داشته باشد که مستمعین او طفلند و باید زبان کودکانه با آنها صحبت  
 ندارد بنابراین استعمال حمل مشکل و لغات معلق بکلمه بی مورد است  
 و باید از آن اجتناب کرد ولی بکار بردن اصطلاحات و کلمات معموله بی  
 ارادل و طینقات پست بی رحائل بیست

حامساً از حیث مدت، دروس نباید طولانی شود در کلاس تهیه  
 هر درس بیش از یک ربع نباید طول نکشد حد وسط مدت درس در کلاس

حقیقتی که در دایه نظر ملتفت آنها می شود جلب کرده مسائل لازم را  
برای او بیان نمود

برای تعلم اطفال ارائه اشیا یا تصویر آنها کافی  
۲ - درس ربانی بیست و یک را شاگرد معنی حواص آنها بی میبرد  
علاوه در تمام موارد مثل ریاضات نمیتوان  
استیانی شاگردان ارائه داد کسی هم که بدست شاگرد میدهد وقتی  
آنها را میمهد که معلم توضیحات کافی داده باشد سایرین باید مدرس ربانی  
تشدت حس درس ربانی یکی از طرق کلی تعلیم است و شاگرد در هرستی  
باشد میتواند با و درس ربانی داد

مع ذلك درس ربانی حالی از اشکال بیست تدریس  
اسکالاب آن کردن هر وصعتی است که شرایط و خصوصیات  
سیار دارد علاوه بر معلومات کافی معلم باید  
مواصبع لازم و مهم را از غیر مهم تمیز دهد، خوش تقریر و بطقا باشد سمات  
خود را بفهم و ادراک و سن شاگردان موافقت دهد، توجه آنها را واسطه  
اسباب و وسایل مختلفه جذب کند، آنها را در تعالیم خود شرکت دهد،  
نابین تنها علم و معلومات برای درس دادن کافی نیست باید اساسان دارای  
موهبت و ذوق طبیعی و تجربه باشد و همدا جوانی چیست و از حوائج  
آن بااطلاع باشد و بالأحره شاگردان را مانند برادر و فرزند خود دوست  
بدارد تا بتواند معلم شود

آورد ، اعصاب و حوارج را کمک بطق خود بگیرد این طریقۀ طفل را فوق العاده تہیج و مسرور میکند و مقصودی را کہ معلم از گفتن قصہ دارد بہترین وجہ بدست میآورد چنانکہ می بینید در قہوہ خانہ ہا مقالان مورد توجہ واقع شدہ مستمعین با دقت بیانات آنہارا گوش میدہند

برای اینکہ معلم بتواند تدریس خود را ادامہ  
 ۴- پس گرفتن درس دہد ناید بداند درسی کہ دادہ شاگردانش  
 فهمیدہ و یاد گرفتہ اند یا حیرت اگر فهمیدہ  
 و یاد گرفتہ اند حلوبرود والا برگشتہ توضیحات لازمہ ندهد و درس را  
 تکرار و حالی شاگردان نماید تنها راہ حل این مسألہ پس گرفتن درس  
 است پس گرفتن درس یکی از طرق تعلیم و تمرین میران و درجہ ایست  
 کہ معلم شاہب میدہد باید زیاد تر درس ندهد یا کمتر و ہر یک از  
 شاگردان بطور کار کردہ اند و میران تشویق و پاداش یا تنبیہ و سیاست  
 ہر یک چست و شاگردان صعیف کلاس کدامند تا آنہارا کمک عودہ نگدارد  
 از ہمدرسہای خود عقب نماند

در مدارس عالیہ بطور کلی درس را ہر روز پس میگیرند و فقط  
 اکتفا میکنند نامتحانات سہ ماہہ یا سالیانہ ولی در مدارس متوسطہ  
 مخصوصاً دورہ اوّل متوسطہ و در مدارس ابتدائی ہر روز حتماً باید  
 درس را پس گرفت

در مدارس ابتدائی باید درس را طوری داد کہ پس از حتم  
 شدن اطعال آن را تقریباً یاد گرفتہ باشند۔ ہمین جہت سہار بحاست

اول و دوم مدارس ابتدائی بیست دقیقه و در کلاس سوم و چهارم نیم ساعت و در کلاس پنجم و ششم سه ربع و در مدارس متوسطه از پنجاه دقیقه الی یکساعت باید باشد بعد از اینکه درس خاتمه پیدا کرد شاگرد باید مشغول حاضر کردن آن شود و مطالعه کتاب و انجام تکلیف کتبی بپردازد. اساساً دروسی که در یک موضوع داده میشود باید بیکدیگر مربوط باشد برای این کار در ابتدای هر ریک باید بوسیلهٔ پرس گرفتن درس مطلبی را که میخواهند تدریس کنند بموضوع درس گذشته متصل کنند تا رشته آنها پیوسته شود.

ساعات نکات مهم\* اساسی درس باید شاگرد حاضریشان شود تا آسانی تواند درس را یاد بگیرد و در خاطر خود ثبت کند برای این مقصود بهترین طریقه ایست هر قسمتی که در درس برای شاگردان بیان شد خلاصهٔ آن در روی تخته سیاه نوشته شود پس از اتمام دروس شاگرد خلاصه را در کتابچه ای ثبت کرده دوماً بعد معلم از روی همان خلاصه درس را پس بگیرد.

تقریر کردن و عرصه داشتن مطلب یکی از طرق

۳ - هنر نقل گفتم کلی تعلیم است در مدارس متوسطه و عالیه در مدارس ابتدائی اغلب اتفاق می افتد که معلم

عوض تقریر خشک و ساده قصه ای را در موقع تدریس تاریخ یا اخلاق نقل میکند در این صورت باید هنر نقلی را نداند یعنی نداند در چه وقت و چه شکل باید آهنگ صدرا را تعبیر دهد، قیافهٔ خود را او حالی بحال دیگر در

شدن از آن ترتیب سرری خواهد داشت

يك نکته دیگر که تذکار آن واجب است اینست که معلم نباید انتظار داشته باشد شاگرد فوراً بلافاصله پس از سؤال کردن جواب بگوید زیرا در آن صورت فقط از حافظه خود استمداد می جویند و همیشه سعی دارد درس را از حفظ کند تا جواب را فوراً طوطی وار بدهد بلکه باید پس از هر سؤال چند ثانیه مشاگرد وقت داد که تفکر و تعمّل کرده از روی فکر جواب بگوید

وقتی عده شاگرد کلاس زیاد باشد معلم نمیتواند از طریق کتبی همه درس پس بگیرد بلکه اتفاق می افتد که در طرف دوام از شاگرد سؤال میشود برای رفع این محذور درس را بطریق کتبی پس میگیرند معلم بمحض اینکه داخل اطاق درس شد در سه سؤال راجع بندرسی که باید پس بگیرد بوده شاگردان را وامیدارد که جواب آنها را کتبا بدهند همیشه اوراق را جمع کرد تدریس میرد دارد و اوراق را در منزل تصحیح نموده صمّا ملتفت میشود که شاگردان درس را کاملاً فهمیده و یاد گرفته اند یا خیر

طریق کتبی را بیشتر در کلاسهای متوسطه باید استعمال کرد در مدارس ابتدائی استعمال این طریق چندان مناسب نیست زیرا شاگرد طفلست و قوه استدلال و معتره اش ناره کار است و چون طریق کتبی نکار برده شد معلم نمیتواند هر آن مواظب باشد که طفل غلط اقامه درهان و قضاوت نکند و اگر حواست از حادّه راست منحرف شود او را هدایت

همیشه درس تمام شد معلم از شاگردان سؤال کند و درس را پس نگردد.  
در کلامهای مقدّماتی مدرسه ابتدائی حتی میتوان پس از تدریس هر قسمتی از  
درس آن قسمت را سؤال کرد و پس گرفت

**طریق پس گرفتن**  
تدریس باید کرد که هر شکل میشود درس را پس  
گرفت ، بلکه معلم باید مراقبت داشته باشد که  
درس حتی الامکان نظم و ترتیبی را که در موقع درس  
دادن اتحاد کرده در وقت پس گرفتن بی رعایت کند زیرا چنانکه  
درس بر طبق اصول تربیت داده شده مطالب آن با هم مربوط بوده و ترتیب  
ترتیب معنی بهم پیوسته و متصل بوده است این ترتیب باعث شده که  
شاگرد سهولت درس را فرا گرفته و هیچ عادت ندارد که حافظه او را حراب  
کرده ، خلاف ترتیب او را و درس پس گرفته شود

همیستور نیز در امتحانات ماهیانه یا سه ماهه باید بر طبق ترتیبی  
که دروس داده شده سؤال کرد زیرا چنانچه آموزگار لایق بوده دروسی  
که داده ماند مراحتی بوده که برای بیل ، مقصود معنی پسموده است این  
مراحل مثل حلقهای رجیر نکدیگر متصلست و شاگرد در راهی که طی  
میکند مراحل را محوسی میشتاسد و میتواند آنها را طی کند

در مقابل توصیه مذکور باید یاد آور شد که باید در اتحاد این  
طریق مطالعه کرد و ترتیب درس داد و پس گرفتن را مایشین وار تلقی  
نمود بلکه در صورتی باید نظم درس را در موقع پس گرفتن رعایت کرد  
که يك رابطه منطقی و عامی بین مطالب درس موجود باشد و الا خارج



سؤال و جواب باید ترتیب منطقی مرتب شده باشد بطرفی که شاگرد را بدون کمراهی بمقصد معلم هدایت نماید. سؤال و جواب باید واضح و روشن باشد، تا کلمات و حمل ساده درست شده باشد، لغات معلق و اصطلاحات مشکل نداشته باشد و صریح و محدود باشد تا شاگرد خوب بفهمد و خوب جواب بدهد. برای اینکه سؤال دارای این اوصاف باشد مدبهبست که نایستی قبل از وقت آنرا تهیه کرده باشد.

رای جواب دادن باید معلم شاگرد را شغفل و تعجب عادت دهد و او را در کند چند نایه قبل از جواب افکار خود را جمع نموده بعد جواب بگوید. جواب هم نباید مستقیماً مربوط سؤال باشد و ساده و صحیح، اگر در جواب شاگرد اشتباه کند معلم باید فوراً متعیر شود و تندی کند بلکه باید آن قسمتی را که صحیح است خاطر نشان کرده با حوشروئی و محنت قسمت دیگر را تصحیح و تکمیل نماید.

یکی از مقدمات واحد و لازم تعلیم مطالعه و تهیه درس است. مطالعه و تهیه درس عبارتست از مراجعه بموضوع درس شفاهی و محاضر سپردن مطلبی که باید تدریس شود و یاد گرفتن آن در صورت لزوم مطالعه و تهیه درس برای ایست که معلم مطالب مفید و عملی را برای تدریس انتخاب نموده حشو و روایند را حذف کند و طرح درس را قبلاً بربرد و توضیحات و براهین و وسیله تجارت علمی را حاضر نماید و موضوع تکالیف کتبی را پیشینی کند. خلاصه آنکه عرض از تهیه و مطالعه درس آنست که

## ۶ - مطالعه و تهیه

### درس

نماید در مدارس ابتدائی باید حتی المقدور درس را روانی پس گرفت تا  
قوای طفل بواسطه مکالمه و صحبت سمو و پرورش یابد

در روش استقامی معلم بوسیله سؤال و جواب  
۵ - سؤال و جواب مطلبی که میخواهد شاگرد تدریس کند از  
خود او بگیرد و توسط خود او کشف میکند

محل استعمال این روش بیشتر در مدرسه ابتدائیت و محاسن سؤال و  
جواب در آن روش بسیار است سؤال و جواب تکلاس روح میدهد  
و چون شاگرد میداند معلم چه مقصد دارد و او را نکجا میکشاند محدود  
میشود و از روی شوق و محاضرت فکری برای پیدا کردن جواب میسازد  
و این ترتیب قوای روحیش پرورش میدهد

سؤال و جواب برای تعلیم تمام مواد پروگرام نگار می رود بلکه  
در علم الاشیاء است که روش استقامی و استعمال سؤال و جواب مخصوصاً  
مورد دارد. در سایر مواد معلم باید تشخیص خود را برای تدریس  
تدریس بوسیله تشنگت جوید

سبک سؤال و جواب اگر معلم هر دفعه ای که سؤال میکند یکی از  
شاگردان را مخاطب سازد سایرین در مد فکر  
کردن و پیدا کردن جواب بخواهند بودند

جهت سؤالی که معلم میکند باید اتمامی شاگردان باشد و پس از چند ثابیه  
که همه فکر کردند ناگشت یکی از شاگردان اشاره کند که جواب نگویید  
اگر جواب او کافی باشد از دیگری بپرسد

مطالعه موحب از دیاد معلومات و مهارت خود معلم میشود البته وقتی اسان يك مرتبه موضوعی را تدریس کرد در مرتبه دوم مطالعه آن درس آسانتر است ولی باید فراموش کرد که مطالعه ثانوی بیر نکات تازه نایان یاد میدهد، وقتی معلم درس را قبلاً تهیه کرد با کمال تسلط و قوت قلب سر درس می رود زیرا که میداند درش خوب و معید خواهد بود و شاگردان احترامات او را کاملاً رعایت خواهد کرد علاوه از درس خوبی که معلم میدهد بایش از همه خودش حطاً ولذت میبرد و هیچ پاداشی بهتر از این ملذت معوی برای معلم کاری و با وجدان نیست

درس باید هم از حیث موضوع و هم از حیث طریقه و سائل تهیه درس تدریس باقوای شاگرد تطبیق شود برای تهیه درس باید مکتسبات مراجعه کرد ما برای معلم باید دارای کتابخانه شخصی باشد و هر ماه از حقوق خود مبلغی بهرا حور حال کتاب برای کتابخانه خود امتیاع کند و چون از بدختی کتبی که به درد معلم مدارس متوسطه و کلاسهای عالی مدارس ابتدائی بخورد فعلاً در ایران زبان فارسی بقدر کافی وجود ندارد معلم مدارس متوسطه ناگزیر باید از کتابهای خارجی استفاده کند و باین جهت دانستن زبان خارجه برای آنان ضروری است باید این نکته را در ایضا خاطر نشان کرد که کتاب کهنه میشود و هر روز در علوم و طرق تعلیم ترقیات و اکتشافاتی عمل میآید و ما برای معلم باید مراقب باشد که کتابهای تازه را حتی المقدور بدست آورده معلومات خود را با وقت و زمان مطابق نماید

موضوع درس و روش تدریس و طریقه و وسایل تعلیم قلاً با کمال دقت در نظر گرفته شده باشد

مطالعه و تهیه درس از ضروریات است. درس ضرورت مطالعه هر قدر هم مطر آسان نماید قلاً تهیه شود. در عمیقترین معلومات و کاملترین مهارت در علم تربیت نمیتواند جای مطالعه را بگیرد. اشخاصی که بهر و معلومات خود میبالند و تصور میکنند بدون مطالعه میتواند درس بدهند میگویند در موقع تدریس مطلب و طریق تعلیم آن به آنان الهام میشود. اتکاء بر الهام بی احتیاطی در گشت کسی که بوسیله الهام بخواهد تدریس کند ممکن است در مطالب غیر مهید وقت را تلف کند و مسائل مهمه را فراموش نماید و نزدیک برایش دست دهد و بدون لزوم مطلب را تکرار کند و اشتباه برایش حاصل گردد. معامی که درس را از پیش مطالعه نکرده باشد فکرش روشن و بیادش بیکدیگر مربوط نیست و توضیحاتش مهمست و دلایل اثبات مطالبش قوی نیست و در انتحاب تکلیف بی دست و پا است و قوت قلب و تسلط بر شاگردان خود ندارد. معامی که رسم مطالعه را درست داد معلوماتش سطحی و کپه و کم کم منحصر نکلیات میشود و درق و شوق تدریس در او پژمرده شده رفته رفته معدوم میگردد. جای بهایت تا سب است که در ایران اکثر معلمین درس را مطالعه و تهیه نمیکند. علت این مسأله بسیار است یکی از مهمترین آنها آنست که فوائد مطالعه را نمیدانند و بی معارف مطالعه نکرده اند.

علاوه بر مطالبی که ذکر شد طرح و نقشه درس طریقه تدریس و حتی خلاصه‌ای که در آخر ممکن است معلم شاگردان بدهد نباید در آن قیدشود دفتر مطالعه برای معلم مفید و بلکه لازم است

دفتر مطالعه معلم قوت قلب میدهد زیرا که دیگر ارزیابی نکردن حافظه و سهو و سیاه باکی ندارد و هر آن میتواند بیک نظر از موضوع و محمول درس و تکلیف کتبی متحصّر شود علاوه در آخر سال دفتر مطالعه حاوی دروس و تکالیف سالیانه و نتیجه رحمت یکساله معلم است هر وقت بآن نگاه میکند محظوظ میشود و در سنوات بعد بزرگم برای تهیه درس خواهد بود

بعضی تصور میکنند که تهیه و نگاه داشتن دفتر مطالعه وقت زیاد لازم دارد و این جهت از آن صرف نظر مینمایند و اشتباه آنان در اینجاست که خیال میکنند تمام مطالب درس را بطور مشروح باید نوشت و حال آنکه دفتر مطالعه دفتری است متعلق شخص معلم و کسی دیگر در آن نظر نمیکند و سایرین کافی است که معلم بطور خیلی مختصر و با اشاره مطالبی که می خواهد بنویسد در آن یادداشت نماید

ما معلمین تازه کار تو صبه میکنیم که از داشتن دفتر مطالعه

خودداری نکنند

در اروپا عموماً برای مدارس ابتدائی و کلاسهای اول متوسطه در هر موضوع دو نوع کتاب میویسد یکی برای شاگرد و دیگری برای معلم در کتاب معلم تمام قسمت های مشکل توضیح شده و تمرینات متعدد مرتب گردیده و نتایجی که شاگرد باید برسد معین شده و این ترتیب کار معلم آسان گردیده است علاوه مجلات هفتگی و ماهیانه منتشر میشود که حاوی اطلاعات بسیار مفید راجع تدریس میباشد و معلمین عموماً مشترك میشوند

اصافه بر درس که معلم باید قبلاً تهیه و مطالعه کند موضوع تکلیف کسی را بزر باید از پیش حاضر کند تا آنکه نشود از روی فرصت آن موضوع را تدرسی که داده شده مطابق نمود و رعایت کرد که با قوه و معلومات شاگردان موافقت داشته باشد موضوعات تکالیف کسی در کتاب معلم بعد از ریاضی تعیین شده است ولی معلم باید تا کمال دقت ارمیان آنها آنچه مقتضی است انتخاب نماید

دفتر مطالعه دفتری است که معلم خلاصه مطالعه دفتر مطالعه درس را با طریقه تدریس آن در آن ثبت نماید در مدارس متوسطه معلم باید برای هر کلاس يك دفتر داشته باشد و در آن ترتیب تاریخ هر درسی که تهیه میکنند موضوع و نکات مهمه آن را یادگر تحریرهای علمی که ممکن است صورت گیرد قید نماید . تکالیف کسی از قبیل موضوع اشاء و مسائل ریاضی بزر باید در این دفتر ذکر شود در مدارس ابتدائی دفتر مذکور باید قدری مفصل تر باشد و

موجز و مختصر است و ممکن نیست بتواند حاشیه‌نویسی کتاب بشود. حروه‌ای هم که در ایران معلم‌نشاگردان املاء می‌کند در حقیقت بمنزله خلاصه درس است و کافی برای تعلیم و تعلم نیست. شاگرد باید در مدرسه و خانه شخصاً مطالعه کند و مطالعه باید بوسیله کتاب صورت گیرد پس از خروج از مدرسه و فراغت از آن تحصیل بجز کتاب بندد شاگرد می‌جورد زیرا که در بزرگی اغلب اسان محتاج یاد آوردن پاره‌ای از مسائل میشود که در مدرسه آموخته است. البته این مرایا و فوائد در صورتی محقق است که کتاب خوب باشد.

در ممالکی که در طریق تمدن زیاد پیش رفته اند اوصاف کتاب  
 در ابتدای عصر جدید در فکر تهیه کتب دستاوی  
 بوده اند و حتی در فرانسه مجلس شورای عالی  
 (کنوانسیون) تألیف کتاب را مسافه گذاشت. در اروپا و آمریکا هر روز  
 رفاهت مؤلفین و کتابروشان باعث شده که کتب بسیار عالی دستاوی  
 موجود آمده است در ایران جای افسوس است که تا کنون اقدام مؤثری  
 در این باب نشده و هر کس بطریق سلیقه و خیال خود کتابی نوشته و در  
 مدارس معمول داشته است. اغلب کتب دستاوی موجوده شایسته نیست  
 که در مدارس بکار برده شود زیرا که دارای اوصاف و مرایای کتاب دستاوی  
 نیست. کتاب دستاوی باید دارای این اوصاف باشد.

اولاً باید مختص شاگردانی باشد که آنرا می‌خواهند یعنی ناسن و  
 قوه و فهم آنها تطبیق شود. اغلب مؤلفین ما کتب پهنائی برای مدارس

## فصل سوم

### در اسباب و وسایل کلی تعلم

برای تعلیم و تدریس معلم احتیاج با اسباب متعدّد و وسایل بسیار دارد البته همیشه تمام آنها را در ایضا اسم برد و از کیفیت آنها صحبت داشت در این فصل فقط در باب اسباب و وسایل کلی از قبیل کتاب و نقشه و تخته سیاه و غیره گفتگو خواهیم کرد

کتاب یکی از وسایل بسیار مهمّ تعلیم است پس

۱ - کتاب از گرفتن درس شاگرد باید آن را یاد بگیرد و یاد

گرفتن درس بدون کتاب امریست مشکل بعلاوه

نکات مهمّ درس در کتاب جمع است هر وقت از بطر شاگرد محو شود

مراجعه ناآب همه را بحاطرش میآورد کتاب در حقیقت بمنزله معلم

ثابوی است و شاگرد را در موقع لزوم هدایت و راهنمایی میکند درسی

که معلم گفته تا توضیحات و تصاویر و نقشه های لازم بعلاوه موضوعهای

تکالیف کتبی و تمرینات و مسائلی که در ضمن درس شاگرد داده شده همه

در کتاب بطور صحیح صسط و موجود است

کتاب مجموعه بیسی است از مطالب مهمّه را که هر مؤلف و مصنف

برای تدریس کتاب رحمت بسیار کشیده تا مطالب مهمّی را مطابق قوه

شاگرد و دروگرام رسمی مرتب نموده است حرف و درس معلم و یادداشت

هایی که شاگرد در کلاس بر میبندارد هر قدر هم معین باشد بواسطه کمی وقت



مدارس ابتدائی بالخصوص کتاب باید طوری باشد که شاگرد حقیقتاً آن را دوست بدارد از صمیم قلب آب رعیت داشته باشد قشکی کتاب باعث میشود که شاگرد درس را از روی میل یاد بگیرد و دقت در فرا گرفتن آن کند اصول حفظ الصحّة چشم حکم میکند که کاعد کتاب زیاد سفید و حفظ آن ربر باشد برای جلب رعیت طفل اصول کتاب باید مطوّل باشد تا رود رود تمام شود و حوصله شاگرد از خرابی آن تنگ نشود مطالب و اسامی مهمّ حفظ درشت تر باید نوشته شود و تصاویر و نقشه های صحیح و قشنگ باید متعدد و مربوط بعن کتاب باشد

در مدارس متوسطه معلّم در تعیین عدّه کتاب  
 عدّه کتاب آزاد است عموماً برای هر رشته کتابی معین  
 میکند در مدارس ابتدائی در اروپا بطور کلی  
 تعیین حدّ اقلّ عدّه کتاب با اولیای امور است در فرانسه کتابهایی که  
 باید در هر کلاس شاگرد داشته باشد بموجب حکم وزارت معین شده و از  
 قرار دیل است

در کلاس اول و دوم کتاب قراءت کلاس سوم و چهارم پنج کتاب  
 کتاب قراءت، کتاب دستور زبان، کتاب حساب، کتاب تاریخ مملکت،  
 اطلس کوچک جغرافیا در کلاس پنجم و ششم شش کتاب کتاب قراءت  
 کتاب دستور زبان، کتاب حساب، کتاب تاریخ عمومی، اطلس جغرافیا،  
 کتاب تعلیمات مدنی و اخلاق داشتن این کتابها اجباری است. ولی  
 معلّم میتواند در عدّه آنها بفرافکند مدیهی امت که نباید از طرف دیگر عدّه

ابتدائی تألیف کرده اند که از حدود فهم شاگردان خارج است و از ناچاری وی کتبی در مدارس متداول شده است. از این قبیل کتب شاگرد استفاده نمیکنند، قسمت مهم را از غیر مهم تشخیص میدهد، هر قدر رحمت بکشد معلومات مهم و غیر مفهوم در دماغ اربابی میماند و آخر الامر معرش حسته گشته از تحصیل بیزار میشود.

ثانیاً کتاب دستنوی باید از حیث مقدار مطلب کوچک و از حیث صحت مطلب کاملاً محلی، مطمئن باشد. در کتب مدارس ابتدائی تنها مطالب مهم و لازم باید منظور گردد و برای هر مطلب توضیحات زیاد داده و شواهد و امثال بسیار آورده شود. مطالبی که هنوز نشوت برسیده و غروص و عقاید مبالغه آمیز نباید در کتب دستنوی نوشته شود.

ثالثاً برای سهولت فهمیدن و یاد گرفتن مطلب باید بر طبق نظم و ترتیب معینی کتاب تدوین شده باشد، تقسیمات بزرگ و کوچک کتب باید واضح و روشن باشد. فهرست مندرجات آن باید مفصل و مشروح باشد تا آسانی بتوان مطلبی که منظور است پیدا کرد. معلم وقتی میخواهد کتبی برای کلاس خود انتخاب کند باید مقدمه یا دیباچه آنرا بخواند و از عقیده مؤلف آگاه شود و همچنین باید فهرست مطالب را ملاحظه کند و از محتویات کتاب و طرز طراحي مطلب مطلع گردد.

رابعاً از حیث بیان و عبارت کتاب دستنوی باید ساده باشد. یعنی سنگینی از تعقید و کلمات معلق و مهجور حالی باشد. خامساً کتاب دستنوی از حیث ظاهر باید زیبا و دلربا باشد. در

با وجود تمام فوائد و محسناتی که برای کتاب  
 کتاب و درس      شمرده‌یم باید اعتراف کنیم که کتاب‌های درس  
 معلم را عینتواند بگیرد هیچوقت از روی کتاب  
 تنها تیشود علمی را آموخت و تقاضای نایل شد در مدارس متوسطه و بالاحسن  
 در مدارس ابتدائی ممکن نیست بدون درس معلم بتوان تحصیل کرد و تعلیم  
 و تربیت شاگرد بدون درس ربانی معلم ممنوع است کتاب در دست معلم  
 عیباً حالت افرار را دارد در دست کارگر هر اندازه دست افرار خوب باشد  
 نمیتواند حاشین کارگر نشود کتاب هم هر قدر بیکو باشد ممکن نیست قائم  
 مقام امور کار نشود زیرا که اولاً کتاب برای شاگردان کلاس مخصوص  
 مدرسه معینی تدوین شده بلکه برای عموم مدارس نوشته شده و در حسب  
 اقتضای مکان و استعداد اطفال معلم باید بعضی از مطالب کتاب را تکمیل کند  
 و باره‌ای را حذف نماید ثانیاً کتاب هر قدر هم ساده بنایب شده باشد دارای  
 کلمات و اصطلاحاتی است که بدون تشریح و تفسیر ممکن نیست شاگرد  
 بفهمد ثالثاً کتاب‌های هر مطلب یکی دو مثال و تشبیه بدش میتواند داشته  
 باشد و الا حجیم و بزرگ میشود معلم بایستی امثال متعدّد بیاورد و  
 تشبیهات محتام کند تا شاگردان خوب مطالب را بفهمند و فراگیرند.  
 رابعاً کتاب هر قدر هم ظریف و قشنگ باشد حامد و بیروح است و کار  
 زبان معلم را میکند و نه بیح میماید بلکه فقط برای قوه حافظه مهید است  
 چون مکالمه و مذاکره ای درین نیست قوه معترض هیچچو حه رشد میکند.

کتاب را زیاد معین کرد زیرا هم شاگرد کیج میشود و هم قدمت خرید آینه  
درای عدّه زیادی تحمل باید بر میگردد

طرق استعمال

الّله طرق استعمال کتاب مرحبب موضوع فرق

میکنند کتاب قراوت فارسی را باید در تمام

مدت درس نگار برده ولی در مورد مواضع دیگر

کتاب

ایستور نیست دستور کدای که در استعمال کتاب باید معلم دادا نیست

که همیشه درس خود را بر طبق روش و نقشه و طرح کتاب نگویند تا

شاگرد در حسن مراجعه متعین شود که درس خود را موافق کدام ترتیب

یاد بگیرد و بحاطر نسیارد از حسن لحاظ است که باید حتی المقدور

اتحاد کتاب را بعد خود معلم و اگدار کرد تا سلیقه اش با سلیقه مؤلف

وفق دهد و بتواند رتب کتاب را در تدریس خود اتحاد کند در مدارس

ابتدائی و دوره اول متوسطه معلم باید درس خود را از خارج بر طبق

دستور فوق نگویند و توضیحات لازم را بوسایل تحارب علمی و نوشتن روی

تخته سیاه بدهد و در صورتی که وقت کافی بود و ادار کند یکی ار شاگردان

از روی کتاب بخواند در موقعی که شاگرد میخواند معلم باید مرور

اصطلاحات صعب و کلمات مشکل را بدان کند و مطالبی که در کتاب است

مدرسی که قبلاً داده تطبیق نماید در چهار کلاس اول مدارس ابتدائی بعد

آردادن درس ربانی خواندن کتاب حتمی و ضروری است ولیکن در کلاس

های آخر مدارس ابتدائی و بالخصوص کلاسهای متوسطه خواندن و تشریح

کتاب منوط نداشتن وقت است

کتاب منوط نداشتن وقت است

شاگردان در آن واحد می‌نهند و استفاده میکنند و از این راه مقداری وقت صرفه جویی میشود. ثانیاً مطالبی که معلم میگوید و در روی نخته سیاه‌شان میدهد کاملاً واضح و روشن میشود و شاگردان درود ملتفت میگرددند از طرف دیگر هر نوع تغییر یا تغییری که در روی نخته سیاه نوشته شده یا تصویری که رسم گردیده ممکن است داده شود ثالثاً همیشه مطلبی روی نخته سیاه نشان داده شد بهتر و آسانتر فرامیگیرد زیرا که بیشتر متوجه میشوند و حواسش بهتر مجتمع میگردد و ماضی آن در یاد گرفتن درس او کمک مہمی میکند.

عبارت از فوائد عمومی مذکور نخته سیاه برای هر موضوعی از پرگرام مفید و بلکه ضروری است. در تدریس الما معلم حروف را در روی نخته سیاه جاو چشم شاگردان میبوسد و این ترتیب حرکاتی که دست باید نکند تا آنها نشان میدهد در مشق خط و نشه کشی و نقاشی معلم سر مشق را روی نخته میبوسد و میکشد. در حساب و جبر و هندسه معلم ارقام و صورت مسأله را در روی نخته میبوسد و اشکال هندسی را رسم میکند و قضایای هندسی را شوت مرساند. در فیزیک و شیمی و تاریخ طبیعی معلم تصاویر لارمه و اشکال اساسی که در لارمه در مدرسه هست در روی نخته میکشد و تجاربی که باید کرد در روی شکل نشان میدهد. مینتظور در تدریس دستور امثله را میبوسد، در مورد املاء لغات مشکل را، در مورد جغرافیا نقشه را میکشد، در مورد تاریخ نقشه و طرح درس و جدولهای تاریخی را رسم میکند.

اعلی از شاگردان مدارس ابتدائی و متوسطه  
 يك نكته مهم وقتی تعبير کلاس میدهد یا از مدرسه خارج  
 میشوند کتابهای خود را بیرون بردند باید از این  
 کار آسازا منع کرد زیرا که اولاً اصول حفظ الصحه عدس میکند که کتاب  
 مستعمل را فروشد و این ترتیب بدست دیگری برسد چون ممکن است  
 شخص اولی اسراصی داشته باشد که بوسیله کتاب سایرین سرایت کند  
 ثانیاً باید بشاگرد فهماند که کتاب دستانی یادگار آباء کودکی و جوانی  
 اوست و بعد از پشیمان خواهد شد که چسب یادگار دی قیمتی را از دست  
 داده است. ثالثاً پس از خروج از مدرسه و بداشش معلمی که احتیاجات  
 و اشکالات او را رفع کند فقط کتاب بداد او خواهد رسید

دیگر از اسباب و وسایل تعلیم نخته سیاه است  
 ۲- نخته سیاه که ممکن است با اشکال مختلفه در آید بعضی  
 اوقات نخته يك نارچه است گاهی دولنگه است  
 و دور يك لولا میبچرخد گاهی هم روی سه پایه آن را قرار داده و بر حسب  
 اقتضا بالا میبرد و باین میآورد نوع دیگر نخته سیاه که در ایران تا بحال  
 معمول شده نخته دیواری است قسمتی از دیوار اطاق درس را که مقابل  
 چشم شاگردان است بسیار صاف نموده مارک سیاه و روعن مخصوصی  
 آن را بر آن مقرر آماده میکند

فوائد نخته سیاه بسیار است اولاً موجب سهولت تعلیم جمعی است  
 زیرا که وقتی معلم چیزی در روی آن نوشت بواسطه درشتی خط همه

علاوه بر اطلس جغرافیا که هر یک از شاگردان  
 ۳ - نقشه برای یاد گرفتن جغرافیا باید داشته باشد  
 مدرسه باید حتی الامکان یک دوره نقشه ایران و  
 پنج قطعه عالم و جهان نمای مسطح رای هر کلاسی داشته باشد تا وسیله  
 آنها بتواند درس خود را با روح نموده مطالب خود را مرور دهد.  
 شاگردان کند ولی نباید تصور کرد که نقشه های مزبور برای تدریس  
 جغرافیای مفصل کافی باشد در کلاسهای متوسطه معلم وقتی جغرافیای  
 مفصل ایران را تدریس میکند باید هر قسمتی از مملکت ایران را که موضوع  
 درس است خودش در روی صحنه سیاه رسم کند و عوارض طبیعی و محل  
 شهرها و سایر محتضات را بر روی موقع تعلیم در روی همان نقشه نشان دهد  
 برای چهار کلاس اول مدارس ابتدائی علاوه بر نقشه های مذکور در فوق  
 باید تصاویر عوارض جغرافیائی را بر دیوار کلاسها نصب کرد و در موقع  
 درس اصطلاحات را برای شاگردان بیان نمود

در تدریس تاریخ نیز معلم نقشه و تصویر احتیاج پیدا میکند  
 ولی باید این نقشه ها و تصاویر مطابق با حقیقت باشد و الا مسائل و حقایق  
 حقیقت در ماع شاگرد جای میگیرد و او را گمراه میکند این نقشه ها  
 و تصاویر عبارتست مثلاً از تصاویر آثار ملی و مرده ان بزرگ تاریخی و غیره  
 علاوه بر تصاویر تاریخی تصاویر حیوانات و نباتات و احجار و بعضی اراحصاء  
 و حوارح انسان و طرز کار کردن آنها هم برای تعلیم تاریخ طبیعی لازمست  
 برای تدریس السه خارجه هم چنانچه روش مستقیم آنجا شود باید تصاویر

این همه فوائد که رای نخته سیاه ذکر شد رای جای نخته در کلاس این است که آن را مورد استفاده قرار دهید و هر قدر ممکن است آرا نگار برید استفاده شاگردان در صورتی است که جای نخته سیاه در کلاس خوب و مناسب باشد رای اینکار باید شرایط ذیل را در نظر گرفت

۱ - در مقابل شاگردان و جلو روی آنها واقع باشد تا همه

نحوی ببیند

۲ - در دسترس معلم قرار داده شده باشد تا بتواند هر چیزی را بکشد و بپنخواهد روی آن سوسسد و یا تصحیحی که میخواهد از تکلیف نکند تسهولت بعمل آورد

۳ - نارتهای ارسطخ زمین اطاق باشد که بطور کلی دستشاگردان همه جای آن رسد

۴ - طوری باشد که روشنائی از مقابل نخته سیاه یا از جلو روی شاگردان داخل ا وطاق درس شود و الا چیزی که در روی نخته نوشته شده باشد شاگردان نمی بینند

۵ - رای کلاسهای ابتدائی بعضی اوقات لازم میشود که يك طبقه از شاگردان دور نخته جمع شوند و طلفات دیگر مشغول کار خود باشند در آن صورت باید اس مسأله را بر در انتخاب جای نخته در نظر گرفت و طوری کرد که در اطراف نخته سیاه محد کفایت رای استادان يك عدّه شاگرد مکان حالی موجود باشد



کسی موجب روراستمدادشا گردد همیشه در برابر آنکه در انجام تکلیف کتبی شاگرد  
محمور است شخصاً تفرگ کند نای تربیت قوای خود را میسجد  
و انداره میگیرد و عادت میکند بپیدا کردن فکر و استقلال فکری راعاً  
بوسیله تکلیف کتبی معلم قوه شاگرد را بدست میآورد و میفهمد قوه  
اشکارش چقدر است و ترقیاتش از چه قرار است و در کدام رشته ذوق  
مخصوص دارد حاصلاً در مدارس فوری که چند کلاس بعهده یک معلم  
واگذار میشود تکلیف کتبی وسیله تربیت و تنظیم درس است چه معلم  
ابتداییکی از کلاسها درس میدهد و آنها را اذکار میکند یک تکلیف کتبی  
راجع بهمان درس انجام دهد و در مدتی که شاگردان مشغول محاوردن  
تکلیف هستند تدریس کلاس دیگر میرد دارد

حای نا شع است که او خود این همه فوائد معلمین ما بواسطه  
عملت یا بواسطه گرفتاری در دادن تکلیف کتبی قصور ورزیده اند  
باید امیدوار بود که آموزگاران جدید که در مور تربیت آگاهی پیدا میکنند  
از انجام این قسمت مهم و طینه خود عاقل نشوند

تکلیف کتبی در صورتی فواید مذکور را دارا  
استخاب موضوع خواهد بود که موضوع آنها دارای شروط  
مخصوصی بوده باشد آن شرایط ارایه را راست

۱ - تکلیف کتبی باید اختصاص بشاگردانی داشته باشد که آرا  
انجام میدهند یعنی مطابق قوه آنها باشد بطوری که نه زیاد آسان باشد که  
وقت آنها هدر رود نه زیاد مشکل که موجب حسنگی دماغ آنها شود

بزرگ دیواری راجع برندگان و ورگدار داشت و بنا گردان یاد داد مشاهدات خود را بر بنایی که یاد میگیرند بیان کند اگر شاگردان در دوره دوم متوسطه باشد مناسبتر است که تصاویر مقطع کوچک و بشکل کتاب مخصوصی باشد که بتوان مجامع حمل و نقل کرد

تکالیف کتبی عبارتست از کلیتۀ تمرینات کتبی  
 ۴- تکالیف کتبی ارفیقیل خلاصه کردن متن کتاب قراءت، انشاء، حل مسائل و اعمال ریاضی، پروراندن موضوعهای تاریخی و جغرافیائی، ترسیم نقشه بدون رنگ آمیزی، مشق، صرف کردن افعال و غیره عرص از تکالیف کتبی است که شاگرد قواعد و قوانینی که در کلاس یاد گرفته مورد عمل گذارد و شخصاً مسأله را تفکر و تعقل و کار کرد کند تکالیف کتبی مکمل و متمم کتاب و درس ریاضی است

تکالیف کتبی هم برای معلم مفید است هم برای  
 شاگرد اولاً شاگرد چون میداند که از روی  
 تکالیف کتبی معلوم میشود در کلاس درس را

گوش داده یا حیر سعی میکند تکلیف خود را با دقت انجام دهد علاوه  
 در سر درس بحرف معلم توجیه مخصوصی میکند تا بتواند از عهده انجام  
 تکالیف کتبی برآید ثانیاً تکالیف کتبی کمک بررگی است برای حافظه شاگرد  
 زیرا که مطالب درس بوسیله تکالیف کتبی در خاطر او روشن و جایگیر  
 میشوند تمام معلمین و شاگردان متفقند که عموماً درس را وقتی خوب  
 یاد میگیرند که تکالیف کتبی در این باب عمده و داشته باشد ثالثاً تکالیف